

وقتی رادیو جای منبر را گرفت

باهر سعیدی

درآمد: در ماه رمضان 1334، محمد تقی فلسفی در سلسله سخنرانی‌هایی در رادیو مردم را علیه بهائیان تحریک کرد. اما چرا یکی از سنتی‌ترین اقشار جامعه به استفاده از مدرن‌ترین فناوری دوران خود روی آورد؟ آنها چه اهدافی داشتند و چرا رسانه‌های سنتی خود را برای رسیدن به آن اهداف ناکافی می‌دانستند؟

محمد تقی فلسفی، خطیب مشهور مسجد شاه، در کتاب خاطراتش می‌گوید: «در سال ۱۳۳۴ قبل از شروع ماه مبارک رمضان، به آیت‌الله بروجردی عرض کردم که آیا شما موافق هستید مسئله‌ی بهائی‌ها را در سخنرانی مسجد شاه که به طور مستقیم از رادیو پخش می‌شود، تعقیب کنم؟ ایشان قدری فکر کردند و بعد فرمودند: اگر بگویید خوب است، حالا که مقامات گوش نمی‌کنند اقبالاً بهائی‌ها در برابر افکار عمومی کوبیده شوند.»¹

این پاسخ آیت‌الله، مجوزی برای سلسله سخنرانی‌های رادیویی شد که خشونت سازمان‌یافته نسبت به پیروان آیین بهائی را به دنبال داشت، به بهائی‌ستیزی در جامعه ایران قوت بخشید و در آخر به تخریب حظیرةالقدس - مرکز دینی بهائیان - منجر شد.

اما چه کسانی در حملات علیه جامعه‌ی بهائی دخیل بودند و چگونه رادیو را به عنوان رسانه‌ی خود انتخاب کردند؟ این پرسشی است که در این یادداشت به طور خلاصه به آن پرداخته می‌شود.

ورود مذهب به رادیو

رادیو، همواره در مهم‌ترین تحولات اجتماعی هشتاد سال اخیر ایران نقش داشته است. برای نمونه در مهرماه ۱۳۲۰ و زمان اشغال ایران به دست قوای متفقین، محمد علی فروغی با استفاده از رادیو و ایراد نطق تاریخی خود، زمینه‌ی انتقال آرام سلطنت پهلوی اول به دوم را فراهم کرد. در ۱۳۲۵ خبر بازپس‌گیری آذربایجان از فرقه‌ی دموکرات برای اثرگذاری بیشتر و تقویت دولت مرکزی، توسط گوینده‌ی رادیو تهران از ایستگاه تبریز اعلام شد. بعدها و در مرداد ۱۳۳۲ کودتاگران سوار بر تانک، خود را به استودیوی مرکزی رادیو رساندند تا با اعلام پیروزی قطعی‌شان، تکلیف دولت مصدق را برای همیشه یکسره کنند. در ۱۳۵۷ نیز تسخیر رادیو و تلویزیون به دست مخالفان، پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد.

¹ خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، علی دوانی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382: 200



این رسانه در ابتدا با هدف «پرورش و راهنمایی افکار عمومی»، توسعه‌ی ناسیونالیسم و افزایش مشروعیت پهلوی تأسیس شده بود و در آغاز کار (۱۳۱۹ شمسی) بیشتر موسیقی، گفتارهای ادبی و اخبار رسانه‌های خارجی را در ساعاتی مشخص و محدود پخش می‌کرد.

بر اساس مصوبه‌ی دولت و از بهمن ۱۳۲۰ بخش مذهبی به رادیو افزوده گردید و قرار شد، واعظ سرشناس حسین علی راشد در شب‌های جمعه به مدت نیم‌ساعت، یک برنامه‌ی مذهبی اجرا کند. این اولین ورود رسمی روحانیت به رادیو بود. پس از آن و در سال ۱۳۲۲ علاوه بر گفتارهای مذهبی، در بخش صبحگاهی رادیو برای نخستین بار قرائت اذان، قرآن و ورزش باستانی به راه افتاد و پس از مدتی اذان ظهر نیز در میان برنامه‌ها گنجانده شد.²

از رمضان ۱۳۳۰ نقش روحانیون و گفتارهای مذهبی آن‌ها پررنگ‌تر شد. در این زمان، سخنرانی‌های حجت‌الاسلام محمد تقی فلسفی، به طور مستقیم و با استفاده از یک خط تلفن از مسجد شاه در رادیو پخش می‌شد. محور اصلی حرف‌های او «حفظ وحدت و مبارزه با بیگانگان» بود و به علت مهارت در خطابه، گفتارهایش مورد استقبال عموم قرار می‌گرفت.³

فلسفی با آیت‌الله بروجردی، بزرگ‌ترین مرجع شیعه، رابطه‌ی نزدیکی داشت و خود را نماینده‌ی این روحانی محافظه‌کار در تهران معرفی می‌کرد. مقامات حکومتی، او را به عنوان واعظ ضدتوده‌ای می‌شناختند که در منبر رفتن به شیوه‌ای تبلیغی - ترویجی بسیار موفق است و سخنانش می‌تواند برای مقابله با کمونیسم در کشور مفید باشد.

برخورد با بهائیت در خواست چه کسانی بود؟

در کنار آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله کاشانی از دیگر چهره‌هایی بود که همواره خواستار تعقیب بهائیان، برکناری آن‌ها از مشاغل اداری و تخریب اماکن مقدس بهائی بود. کاشانی، در جریان ملی شدن صنعت نفت با مصدق همراه شد اما در جریان کودتای بیست و هشت مرداد او را به حال خود گذاشت و همچون سید محمد بهبهانی و بروجردی سکوت اختیار کرد.

در نتیجه‌ی این حمایت‌ها، حکومت به روحانیت شیعه بهای بیشتری داد تا از یک سو پایبندی به اصول اسلام را به نمایش بگذارد و از سوی دیگر برای مبارزه با حزب توده و خطر کمونیسم از آن‌ها کمک بگیرد.

پس از کودتا، شاه برای قدردانی از روحانیت، سرلشگر نادر باتمانقلیچ، رئیس ستاد ارتش، را به خانه‌ی کاشانی فرستاد تا نظر و خواسته‌های او را بشنود. در این ملاقات، کاشانی در آغاز سخنان خود درخواست آزادی بیت‌المقدس و عتبات عالیات در عراق را مطرح می‌کند ولی بعد از اینکه «سکوت حیرت‌آمیز» باتمانقلیچ را

²جمالی بر تاریخچه رادیو در ایران (1387 - 1319)، گیتی کاوه، کتاب ماه علوم اجتماعی شماره 8، 1387 : 68

³تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران، رضا مختاری اصفهانی، دفتر پژوهش‌های رادیو، 1388 : 73

می‌بیند، از موضع خود کوتاه می‌آید و می‌گوید: «چطور است بروید و به دست خودتان محل تجمع فرقه‌ی ضاله‌ی بهائی در تهران را منهدم کنید؟»⁴

چنین به نظر می‌رسد که تخریب حظیره القدس به عنوان نمادی از بهائیت و مهم‌تر از آن «محل تجمع» بهائیان، مطالبه‌ی اساسی روحانیت شیعه بود که هر از چندگاهی به شکل‌های مختلف و از زبان روحانیون عالی‌رتبه بیان می‌شده است.

اتفاق نظر شاه و آیت‌الله

با مطالعه‌ی اسناد تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که دشمنی با بهائیان و تلاش برای حذف آن‌ها از جامعه، از ویژگی‌های اصلی رویکرد مذهبی آیت‌الله بروجردی بود. از قول آیت‌الله علی دوانی، از روحانیون قم و از یاران نزدیک آیت‌الله خمینی، نقل شده که بروجردی بارها از شاه درخواست کرده بود که جلسات بهائی‌ها تعطیل و از اشتغال آن‌ها در ادارات دولتی جلوگیری شود.

دوانی می‌گوید: «به خاطر اصرارهای آقای بروجردی، شاه اعلام کرد که بهترین راه برای الغای بهائی‌گری این است که آقای فلسفی در سخنرانی‌های خود این فرقه را به مردم بشناساند و به دنبال آن، دولت غیرقانونی بودن این گروه را اعلام بکند.»⁵

این نشان می‌دهد که هم بروجردی و هم شاه، در استفاده از سخنرانی‌های رادیویی فلسفی برای پرداختن به موضوع بهائیان اتفاق نظر داشته‌اند. در میانه‌ی دهه‌ی چهل، جمعیت زیادی از مردم بی‌سواد بودند و به همین خاطر، رادیو نسبت به مطبوعات چاپی مخاطبان بیشتری داشت و ماهیت گفتاری این رسانه تأثیرش را دوچندان می‌کرد. همچنین، تقویت تجهیزات فنی پخش و انعقاد قرارداد دولتی با کارخانه‌ی سوئدی «آکا» در سال ۱۳۳۳ برای ایجاد کارخانه‌ای در جاده‌ی کرج و تولید انبوه رادیوهای کوچک ارزان‌قیمت، شمار مخاطبان رادیو را افزایش داده بود.⁶

ناقوسی که خفتگان را بیدار می‌کند

در کتاب خاطرات فلسفی، در چند مورد ادعا می‌شود که تبلیغات بهائی‌ها از زمان دولت مصدق فراوان شده بود و مردم اعتراضات زیادی را از طریق نامه به دست آیت‌الله بروجردی می‌رساندند.

اما نامه‌ی نورالدین فتح اعظم، رئیس محفل ملی بهائیان ایران به مصدق و شکایت از برنامه‌ی رادیو تهران که در آن انگلستان را حامی باب معرفی کرده بودند، حاکی از این است که در دولت ملی نیز تبلیغات ضدبهائی کم نبوده است.

⁴ بهائی آزاری؛ پیش از کودتا تا پس از آن، مینا یزدانی، وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی، مرداد 1392

⁵ تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، غلامرضا کرباسچی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380 : 156

⁶ اجمالی بر تاریخچه رادیو در ایران (1387 - 1319)، گیتی کاوه، کتاب ماه علوم اجتماعی شماره 8، 1387 : 71

در چنین شرایطی آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله خمینی را برای رایزنی درباره‌ی بهائیان پیش شاه می‌فرستد. خمینی از شاه می‌خواهد تا به سبک و سیاق رضاشاه با شیوه‌ای قهرآمیز با بهائیت برخورد شود. ولی شاه در پاسخ به او تلویحاً جواب «نه» می‌دهد و عذر می‌آورد که اکنون شرایط فرق کرده است و می‌گوید: «الان حتی وزیر دربار من هم از من حرف شنوی ندارد» و «من چطور می‌توانم این کار را بکنم؟»⁷

بعد از بی‌ثمر بودن این ملاقات، بروجردی از پای نمی‌نشیند و ناامید نمی‌شود. او در ادامه‌ی تلاش‌هایش نامه‌ای به فلسفی می‌نویسد و ضمن ابراز نگرانی از بهائی‌ها به او می‌گوید: «نمی‌دانم با که باید صحبت کرد و با کدام ناقوس خوابیده‌ها را بیدار کرد». سپس از فلسفی می‌خواهد تا از شاه وقت بگیرد و پیرامون مطرح‌کردن مسئله‌ی بهائیان از طریق رادیو کسب تکلیف کند. اما تأکید می‌کند که حتماً موافقت شاه برای سخنرانی گرفته شود تا مبادا «پخش سخنرانی از رادیو قطع گردد، زیرا این مطلب برای مسلمانان خیلی گران خواهد بود و باعث تجری هر چه بیشتر بهائی‌ها می‌شود». این ملاقات انجام می‌شود و شاه به فلسفی می‌گوید: «بروید بگویید».⁸

«دولت خودش آنجا را خراب می‌کند»

از ابتدای رمضان ۱۳۳۴ حجت‌السلام فلسفی، سخنرانی‌های پر شور ضدبهائی خود را آغاز کرد. در تهران و برخی شهرستان‌ها ائمه‌ی جماعات رادیو را روی منبر می‌گذاشتند و این سخنرانی‌ها را زنده در مساجد پخش می‌کردند. در روز دهم رمضان، حمله به بهائیان به اوج رسید. فلسفی در آن روز، سخنان خود را با آیه‌ی ۱۲۸ سوره‌ی شعراء، «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ»⁹ شروع کرد و پس از انتقاد از «زندگی اشرافی افراد خودخواه و بلندپرواز»، «ساختمان‌های مجلل آن‌ها» و «جباریتشان نسبت به مستضعفین»، درباره‌ی بهائیان و موقعیت آن‌ها در ایران سخن گفت.¹⁰

ویژگی اصلی سخنرانی‌های دینی، به‌خصوص وعظ‌های ماه محرم، سوق دادن جمعیت به سوی «غرض و غایتی معین» است تا انگیزه‌های مردم در جهت خواست و اراده‌ی خطیب برانگیخته شود.¹¹

⁷ آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره‌ی ۲۱۳۵ - تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران، رضا مختاری اصفهانی، دفتر پژوهش‌های رادیو، ۱۳۸۸ : ۹۹ - ۱۰۰

⁸ خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، علی دوانی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ : ۲۰۰

⁹ «چرا بر هر بلندی، به بیهودگی نشانی بنا می‌کنید؟»

¹⁰ تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران، رضا مختاری اصفهانی، دفتر پژوهش‌های رادیو، ۱۳۸۸ : ۱۰۳

¹¹ راشد و خطابه، سمر پورمحسن، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۷، دی ۱۳۸۸ : ۲۰

مجموعه‌ی اطلاعات نشان می‌دهد، با در نظر گرفتن بازخورد آن سخنرانی، فلسفی در تهییج و جهت‌دهی به مردم بسیار موفق بوده است. پس از گفته‌های او، هیجانی شدید در مملکت ایجاد شد و اسدالله علم نخست وزیر وقت در خاطرات خود می‌نویسد: «در چندین شهر، مردم بهائی‌ها را کشتند.»¹²

تلاش‌های روحانیون به ثمر نشسته و رادیوکار خودش را کرده بود، «بهائیان در بعضی از نقاط ایران مورد هجوم، قتل و غارت قرار گرفتند، با زور و تهدید مجبور به اعلام برائت از عقیده‌ی خود شدند، و از کار اخراج شدند.»¹³ نهایتاً در روز شانزدهم اردیبهشت (۱۴ رمضان)، حظیرةالقدس توسط قوای انتظامی تصرف شد و مقامات نظامی با مشارکت برخی روحانیون عملیات تخریب را شروع کردند.

به گفته‌ی فلسفی، گویا شاه وعده داده بود که همزمان با سخنرانی‌های او در ماه رمضان و تخریب حظیرةالقدس، «بساط بهائی‌ها هم برچیده می‌شود». اما بازتاب بین‌المللی رویدادهای ضدبهائی و پیگیری‌های محافل بین‌المللی بهائیان جلوی سرکوب هر چه بیشتر را گرفت. در این برهه حکومت تصمیم گرفت که موج بهائی‌آزاری را با همان تریبونی آرام کند که جامعه را با آن برانگیخته بود. نخست وزیر، دست به دامن سخنگوی مذهبی رادیو شد و از او خواست تا جلوی «مردم خشمگین و عصبانی» را بگیرد. فلسفی نیز تضمین داد که «با لحن جدی به مسلمانان می‌گویم هدف من آشکار ساختن گمراهی بهائی‌ها است.»¹⁴

آیت‌الله مهدوی کنی، که خود شاهد تخریب حظیرةالقدس بوده، در کتاب خاطراتش به گفتگوی دیگری اشاره می‌کند که برای آرام کردن اوضاع میان شاه و فلسفی انجام شده است. او می‌نویسد که شاه به فلسفی گفته: «کیفیت بحث را آرام‌تر و مردم را به آرامش دعوت کنید و از آن‌ها بخواهید که به مرکز آن‌ها حمله نکنند و با آن‌ها برخورد نکنند... به مردم بگویید که شما کاری به حظیرةالقدس نداشته باشید، دولت خودش آنجا را خراب می‌کند، لذا مردم از مسجد امام آمدند برای تماشا که دولت چگونه آنجا را خراب می‌کند.»¹⁵

چرا رادیو را برگزیدند؟

برخلاف آن دسته از روحانیونی که از اقدامات بهائی‌ستیزانه‌ی آیت‌الله بروجردی بی‌چون و چرا حمایت می‌کردند، به نظر می‌رسد آیت‌الله خمینی نسبت به دخالت مستقیم بروجردی در ماجرای برخورد با بهائیان نگران بود. به گفته‌ی آیت‌الله خزعلی، از نگاه خمینی «مرجعیت در این موضوع نباید دخالت می‌کرد زیرا واعظ پرقدرتی چون فلسفی برای این کار کافی بود.» می‌توان استنباط کرد که رهبر آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران، نسبت به قدرت مرجعیت نگاه سیاسی‌تری داشته و جانب احتیاط را فراموش نمی‌کرد. چون او معتقد بود: «اگر در این مبارزه موفق

¹² یادداشت‌های امیر اسدالله علم، تهران، مازیار، 1385، جلد 1: 160

¹³ بهائی‌آزاری: پیش از کودتا تا پس از آن، مینا یزدانی، وب سایت بی بی سی فارسی، مرداد 1392

¹⁴ خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، علی دوانی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382: 200

¹⁵ خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، غلامرضا خواجه سروری، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385: 85

می‌شدیم، دربار متوجه می‌شد که این موفقیت تازه از طرف یکی از وعاظ بوده و هنوز مرجعیت وارد گود نشده است و اگر موفق نمی‌شدیم این ناکامی فقط گریبان یک واعظ را می‌گرفت، نه مرجعیت.»

خزعلی، همچنین از احساسات درونی بروجردی نسبت به پروژه‌ی بهائی‌آزاری پرده برمی‌دارد: «آیت‌الله بروجردی شکست آیت‌الله کاشانی و تنهایی ایشان را به یاد داشت و همچنین جریان مرحوم مدرس و تبعید وی را همیشه در ذهن خود مجسم می‌کرد.»¹⁶

می‌توان چنین برداشت کرد که بروجردی، درباره‌ی میزان موفقیت پروژه‌ی سرکوب بهائیان دچار شک و تردید بود و حتی از آینده‌اش می‌ترسید. پس به جای تکیه بر شیوه‌های قدیمی برای انتشار نفرت‌پراکنی و خشونت علیه بهائیان، به استفاده از رسانه‌ای جدید روی آورد. او برای کاهش احتمال شکست خود، روی قدرت بی‌واسطه و فراگیر رادیو حساب باز کرده بود و نتیجه هم گرفت.

¹⁶ خاطرات آیت‌الله ابولقاسم خزعلی، حمید کرمی پور، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382 : 58